

## گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت یازدهم

هادی آجیلی<sup>۱</sup> - رحیم افشاریان<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۴)

### چکیده

سیاست خارجی کشورها اگرچه راهبرد یکسانی را در نظام بین‌الملل دنبال می‌کند اما رویکرد دولت‌های مختلف به‌لحاظ روشی، کارکردی و اولویت اجرا متفاوتند. روی کارآمدن دولت یازدهم در ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. رویکرد اعتدالی بیش از همه در شعار این دولت برجسته است. این گفتمان اگرچه بر مبنای سه اصل «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» بنیان‌شده اما سعی در بازسازی چهره جدیدی از ایران در عرصه بین‌الملل از یک «تهدید بالقوه» به یک «مطلوب اثرگذار» دارد. پرسش این است که «دال مرکزی در گفتمان اعتدالی سیاست خارجی دولت یازدهم ج.ا.ا. کدام است؟» و در آزمون پاسخ‌های مختلف، این فرضیه شکل می‌گیرد که «تعامل مؤثر و سازنده»، دال مرکزی این گفتمان است.

از آنجاکه رویه‌ها و رفتار اجتماعی در زندگی سیاسی در تحلیل گفتمان حائز اهمیت است و نظام‌های معنایی و ساختارهای هنجاری زمینه‌ساز کنش و برآیند ویژه‌ای در آن می‌شوند، سیاست - خارجی اعتدالی در بحث حاضر نیز از این منظر واکاوی می‌شود. با توجه به تغییر در نگاه دولت یازدهم به نقش بازیگران بین‌المللی به‌ویژه کشورهای غربی، بدیهی است که ادامه کنش گفتاری موصوف با رویکرد مثبت به تعامل سازنده، بازسازی چهره ایران و شکست اجماع ضد ایرانی و ساختگی غرب علیه این کشور در عرصه جهانی را به دنبال دارد.

**واژگان کلیدی:** سیاست خارجی، گفتمان اعتدال، نظام بین‌الملل، تعامل سازنده، تحلیل گفتمان، دولت یازدهم

hadiajili@yahoo.com

۱. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

۲. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی  
afsharianrahim@gmail.com

## مقدمه

خاورمیانه همواره منطقه‌ای آشوب‌زده بوده و کشمکش یک عنصر ذاتی در آن است که زمینه افراط‌گرایی را در آن فراهم کرده است. از سال ۲۰۱۱ م. نیز جنبش‌های مردمی در برخی از کشورها بر رشد و تقویت این گروه‌ها افزوده است. ماهیت انقلابی نظام جمهوری اسلامی در ایران و جهت‌گیری ایدئولوژیک آن با کشورهای غربی به‌ویژه از زمان قطع روابط با امریکا، زمینه انزوای ایران را فراهم کرده است. همین ماهیت انقلابی در کنار بزرگ‌نمایی برنامه هسته‌ای در دهه اول قرن بیست‌ویکم و سیاست سازش‌ناپذیری دولت احمدی‌نژاد با قدرت‌های بزرگ که مشکلات اقتصادی عدیده‌ای را بر مردم ایران بار کرد، پذیرش گفتمان اعتدال از سوی روحانی در انتخابات یازدهم ریاست جمهوری ایران را به‌دنبال داشت.

طی دوره زمانی مورد بررسی (مرداد ۱۳۹۲ تا فروردین ۱۳۹۴)، سیاست خارجی ایران ضمن حفظ اصول خود، تعامل جدیدی را با جامعه بین‌المللی آغاز کرد که حتی منجر به تماس تلفنی رؤسای جمهوری ایران و امریکا با یکدیگر شد. این تحقیق بر پایه این پرسش که «دال مرکزی در گفتمان سیاست خارجی دولت یازدهم ج.ا.ا. کدام است؟» به فرضیه «تعامل مؤثر و سازنده» می‌رسد و درصدد است تا در چهار بخش: (۱) تبیین مفهوم اعتدال؛ (۲) جهت‌گیری‌ها و زمینه‌های سیاست خارجی ایران؛ (۳) جایگاه اعتدال در سیاست خارجی دولت یازدهم و (۴) تحلیل گفتمان روحانی و ظریف (به‌منزله مسئولان اصلی دستگاه دیپلماسی دولت)، موضوع مورد بحث را واکاوی کند.

مشخص است که اتخاذ رویکرد اعتدالی به معنای کوتاه آمدن از اصول سیاست خارجی یک حکومت با مختصات نظام جمهوری اسلامی نیست. روابط بین‌المللی پیچیده امروز، ضرورت اتخاذ رفتار خردمندانه برای کسب بیشترین بهره از کمترین امکانات و شرایط بحرانی و حتی کوچکترین روزنه‌های دیپلماتیک را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. رویکرد دولت یازدهم بر همین مبنا شکل گرفته که با درک وضعیت جمهوری اسلامی در نظم موجود به این نتیجه رسیده که برای ارتقای جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی، ضمن حفظ اصول، بازسازی ادبیات ایران در عرصه سیاست خارجی ضروری است. این دولت در مقایسه با دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی بخش زیادی از مساعی خود را صرف مرتفع کردن اختلاف‌ها با قدرت‌های جهانی (به‌خصوص در چارچوب مذاکره با گروه ۵+۱ بر سر برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای) کرده است. تعامل سازنده بر مبنای احترام متقابل یکی از بهترین روش‌های رسیدن به این هدف است؛ هر چند این تعامل، تابع شرایط خاص خود می‌باشد و مبنای اولیه، درک متقابل و تا حد امکان

تقریب دیدگاه‌هاست؛ اما اگر ضرورت ایجاب کند زبان تیز جنگ هم می‌تواند مفهوم تعامل را بازنمایی کند. آنچه در این تحقیق موضوعیت دارد، احصاء مؤلفه‌هایی است که به‌طور مشخص از طرف دولت بیان و ابراز می‌شود و سعی خواهد شد برای فرضیه به سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، مقالات و یادداشت‌های رئیس‌جمهور روحانی و وزیر امور خارجه دولت یازدهم رجوع شود.

### اعتدال و تبیین مفهوم آن

«اعتدال» از ارزش‌هایی است که با پیدایش دولت-شهر<sup>۱</sup> در فرهنگ، ادبیات و فلسفه یونان شکل گرفت. کار به جایی رسید که «آتن اندک‌اندک بر سنگ‌گورها، صفات حمیده مردگان با توجه به آرتی (حسن) و سافروزینه<sup>۲</sup> (اعتدال) نقش می‌بندد و بر پیدایش آرمان مدنی تازه‌ای گواهی می‌دهد که پهلوانی سرباز را در زمان جنگ با هوشیاری و میانه‌روی شهروند وطن‌پرست در دوران صلح ترکیب می‌کند» (واینر، ۱۳۸۵: ۳۶۶-۳۷۷).

از نظر افلاطون عدالت برای فرد از اعتدال و میانه‌روی برمی‌آید. اگر هرکس زیر سلطه یکی از سه انگیزه و نیروی اصلی - اشتها، روحیه و عقل - باشد، عدالت برقرار می‌شود و اعتدال زمینه «سازواری روح و حکومت» را ممکن می‌کند (عالم، ۱۳۸۷: ۸۷). هم‌چنین قاعده اعتدال نزد ارسطو، نه یک توصیه عملی بلکه به‌عنوان بخشی از معناشناسی شخصیت دارای کمال و فضیلت بیان شده است (Rapp, 2006: 100) و (Urmson, 1980: 157).

### اعتدال از منظر تعالیم اسلام

قرآن برای نشان‌دادن میانه‌روی، واژه «قصد» را به کار می‌برد. اینکه «اقتصاد» را «علم تدبیر منزل» گویند به سبب میانه‌روی در هزینه‌کرد و ساماندهی زندگی مالی به نحو شایسته است: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا (اسراء/۲۹)» و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده‌دستی منما تا ملامت شده و حسرت‌زده بر جای مانی». ضرورت توجه به میانه‌روی در سوره لقمان هم مورد تأکید است: «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَأَعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ (لقمان/۱۹)» و در راه رفتن خود میانه‌رو باش و صدایت را آهسته‌ساز که بدترین آوازه‌ها بانگ خران است». و در سوره حدید تصریح می‌شود: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ...» به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آن‌ها کتاب و ترازو را فرود

1. Polis  
2. S phrosyn

آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند...» (حدید/۲۵).

در همین راستا قرآن کریم مختصات مسلمان واقعی را با اعتدال معرفی می‌کند: «كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ.../ و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد...» (بقره/۱۴۳).

امام علی (ع) نیز در حکومت خود بر ضرورت اتخاذ رویکرد اعتدالی تأکید دارد: «إِنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ فَرَائِضَ فَلَا تُضَيِّعُوهَا وَ حَدًّا لَكُمْ حُدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا وَ نَهَاكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ فَلَا تَنْتَهِكُوهَا وَ سَكَتَ لَكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ وَ لَمْ يَدْعَهَا نَسِيَانًا فَلَا تَتَكَلَّفُوهَا» (امام علی (ع)، حکمت ۱۰۵) و در اولین خطبه حکومتی پس از تصدی خلافت می‌فرماید: «الْيَمِينُ وَالشِّمَالُ مُضَلَّةٌ، وَالطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ.../ انحراف به راست و چپ گمراهی و ضلالت است، راه مستقیم و میانه، جاده وسیع حق است» (امام علی (ع)، کلام ۱۶) و در جای دیگر می‌فرماید: «لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا / نادان را یا تندرو و یا کندرو می‌بینی» (امام علی (ع)، حکمت ۷۰).

موضوع اعتدال را ترد فارابی هم می‌توان در پرداختن به «رئیس‌اول» در «مدینه فاضله» با فضائل چهارگانه به‌وضوح دید. این فضائل درهم‌تنیده عبارتند از: فضائل «نظری»، «فکری»، «خلقی» و «عملی» (قادری، ۱۳۹۰: ۱۴۵). در حقیقت انسانی با این مختصات از مدار اعتدال خارج نخواهد شد و این شخص بیشتر یادآور انسان آرمانی و کامل است؛ البته فارابی بی‌درنگ اضافه می‌کند: «یافتن کسی که دارای چنین خصائلی باشد، کاری بس دشوار است» (فارابی، ۱۳۶۱: ۲۷۴-۲۷۳).

هر چند اصول مطرح شده از منظر اسلام ناظر به مناسبات اجتماعی درون جامعه است اما از آنجایی که روابط خارجی هم بخشی از مناسبات انسانی و اجتماعی است، تعمیم این اصول به عرصه سیاست خارجی دولت اسلامی قابل تبیین است. نفی سبیل و حمایت از مستضعفان جهان در این سیاست‌ها هدفی جز برقراری تعادل از دست‌رفته در روابط خارجی یک کشور با دیگر کشورها ندارد. طرح مفهوم دارالاسلام در برابر دارالحرب هم درصدد برقراری موازنه‌ای است که با ستم دارالحرب در نظام سیاسی بین‌المللی از بین رفته است. به‌همین دلیل رصد تجربه تاریخی سیاست خارجی جمهوری اسلامی نشان از نوسان بین دو عنصر «واقع‌گرایی» و «آرمان‌گرایی» دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۲). در اسلام هم اصل بر این است که دولت‌ها با پذیرش واقعیت‌های موجود جهان در یک نگاه آرمانی به‌دنبال تعدیل وضع موجود باشند. ایران هم به‌منزله دولتی اسلامی به‌دنبال نوعی توازن میان این دو مؤلفه بوده و بنا به اقتضای زمانی و شرایط محیط بین‌الملل سعی در ساخت چارچوب سیاست خارجی خود دارد.

### مبانی نظری: تحلیل گفتمان<sup>۱</sup>

تجزیه و تحلیل منزلت و جایگاه «اعتدال» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در چارچوب رویکرد نظری‌ای امکان‌پذیر است که نقش تعیین‌کننده و مستقل ساختارهای انگاره‌ای و نظام معانی در سیاست خارجی را مورد تأکید قرار دهد؛ از این‌رو، تحلیل گفتمان به‌عنوان چارچوب نظری این مقاله به کار می‌رود.

مفاهیم اجتماعی با توجه به کاربرد خاصشان ممکن است معنای خاصی را منتقل نکنند. از منظر معرفت‌شناختی هم گفتمان در طیف همین مفاهیم دسته‌بندی می‌شود. بسته به نظام زبانی و زمینه‌های ذهنی و معنایی، این مفاهیم صورت‌بندی می‌شوند. از نظر هوارث، ناپستی گفتمان و ایدئولوژی را یکسان دانست، زیرا گفتمان در سطحی وسیع‌تر همه صورت‌های زندگی - اجتماعی، سیاسی و نهادی را دربر می‌گیرد اما ایدئولوژی وسیله‌ای برای توجیه عقاید عاملان به آن است (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۵۵). گفتمان به‌صورت همزمان مفهوم ایدئولوژی در مارکسیسم و نقش‌های زبانی در نظریه‌های پست‌مدرن را منعکس می‌کند لذا زبان‌شناسی انتقادی<sup>۲</sup> بستری برای تأسیس و تکوین صورت‌های گفتمانی است. گفتمان، موجودیتی خودمختار و مستقل است که صرفاً از قدرت اجتماعی نشأت نمی‌گیرد، بلکه خود نوعی تجلی و نمود قدرت اجتماعی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۲۱-۲۰).

سوسور زبان را به بازی شطرنج تشبیه می‌کند که هر نشانه، هویت و ارزش خود را در ارتباط با دیگری و در چارچوب یک نظام قواعد به‌دست می‌آورد (سوسور، ۱۳۷۸: ۱۲۶). در هر گفتمان یک دال مرکزی<sup>۳</sup> وجود دارد که سایر نشانه‌ها حول آن مفصل‌بندی<sup>۴</sup> می‌شوند (منوچهری، ۱۳۸۷: ۱۰۸). درمقابل، دال‌های شناور<sup>۵</sup> نشانه‌هایی هستند که فاقد معنای مشخص بوده و سبب سردرگمی و ابهام می‌شوند. گفتمان‌هایی که بتوانند به ابهام و خلأ معنایی موجود پایان دهند در دسترس عاملان اجتماعی قرار می‌گیرند و امکان هژمونیک شدن آنها فراهم می‌شود (حقیقت، ۱۳۸۵: ۵۱۵-۵۱۴). دال‌ها به خودی‌خود بی‌معنا هستند و با مفصل‌بندی بین آنها و سایر نشانه‌ها معنا دار می‌شود.

«عناصر»، نشانه‌های فاقد معنا هستند و در گفتمان‌های خاصی معنا دار می‌شوند. عناصر در حکم دال‌های شناور هستند که به خدمت گفتمان در نیامده‌اند، اما «وقته»<sup>۶</sup> عناصر مفصل‌بندی-

1. Discourse Analysis
2. Critical Linguistics
3. Nodal Point
4. Articulation
5. Floating Signifier
6. Node

شده در گفتمان هستند و هویت و معنایی موقت و مشخص کسب کرده‌اند (حقیقت و حسینی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

نظر به جدایی ذهن از عین در طیف معرفت‌های اثباتی در نیمه دوم قرن بیستم و به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم با تلاش پسااخترگرایان، نظریه‌های گفتمانی سعی در سامان دادن ناخوشایندی‌های زندگی انسان مدرن داشتند.

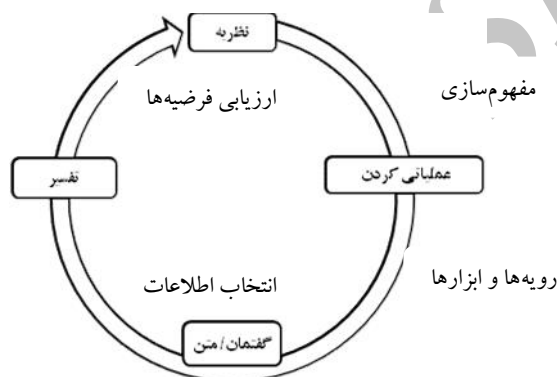
گفتمان، مجموعه‌ای از گزاره‌های مستقل است که به‌صورت منطقی ترکیب شده‌اند و به‌صورت معنادار، رفتار، گفتار و پدیده‌هایی از این دست تولید می‌کنند (Frank, 1992: 100). آنچه در تحلیل گفتمان کانونی است، پرداختن به «بافت» و «زمینه‌ی» متن فراتر از خود «متن» است؛ این متن ممکن است «نوشتاری» یا «گفتاری» باشد. مشیرزاده، گفتمان را «مجموعه‌ای از گزاره‌ها و قضایای بهم‌پیوسته می‌داند که براساس آن مشروعیت و امکان ظهور و بروز این گزاره‌ها مشخص می‌شود» (Moshirzadeh, 2007: 522) و سه جنبه اصلی دارد: کاربرد «زبان»، «شناخت» و «تعامل» در بافت‌های اجتماعی- فرهنگی (ون‌دایک، ۱۳۸۷: ۷۰). از این‌رو چهره زیرین متن با تحلیل آن شناخته می‌شود (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۳). لذا می‌توان سه معنا را برگفتمان بار کرد: اول) آنچه بر بنیادی از فهم سازه‌انگارانه برپاست و مقوم و برسازنده واقعیت‌های اجتماعی است؛ دوم) آنچه که بر پایه قدرت بنا شده و ضمن پرداخت زبانی پدیده‌ها، زمینه‌ساز تشکیل یک رژیم حقیقت<sup>۱</sup> می‌شود و معتقد به یک شکل از حقیقت است. سوم) آنچه بر مبنای یک بازی از رویه‌ها و کردارها ساخت یافته و نظام معنایی حاکم هم از طریق درک این پدیده‌ها و کردارها مشروع می‌شود (Milliken, 1999: 229-23).

واژه‌ها و عناصر زبانی در عرصه سیاسی به‌خودی‌خود معنایی را منتقل نمی‌کنند و بایستی آن‌ها را در بافت و متن خاص خود مفصل‌بندی کرد. هیچ متنی را هم نمی‌توان به‌تنهایی و بدون اتکا به متون دیگر فهمید. یک متن را می‌توان حلقه‌ای در یک زنجیره بینامتنی دانست؛ یعنی مجموعه‌ای از متون که در آن هر متن را می‌توان حلقه‌ای در یک زنجیره بینامتنی دانست که از طریق یکدیگر، دال‌ها تعریف می‌شوند. «بینامتنیت» حلقه واسط زبان و بافت کلان اجتماعی محسوب می‌شود (فرکلاف، ۱۳۸۹: ۱۲۱). هیچ متنی هرگز توسط یک گوینده یا نویسنده ایجاد نشده است. تمام متون نشانه‌هایی از گفتمان‌های متفاوت دارند که این گفتمان‌ها با هم در تنازع هستند و برای دستیابی به تسلط در کشمکش‌اند؛ بنابراین متون مکان نزاع‌اند و در این مکان نزاع، مکانی برای تغییر فرهنگی و زبانی هستند. افراد حامل و عامل این نزاع‌اند (Kress, 1989: 32). هدف تحلیل گفتمان تولید واحدهای معنادار بزرگتر مانند «بند»، «مکالمه» و «مصاحبه» و

## 1. Regime of Truth

رفتار عینی از جمله در زبان گفتاری و نوشتاری است (خلیلی و محمودی، ۱۳۹۰: ۸۹-۸۸) و هنگامی که برای ارتباط، زبان به کار گرفته می‌شود و کنش ارتباطی انسجام می‌یابد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۸)، گفتمان حاصل می‌شود.

به همین سبب گفتمان کاوی، بررسی متن در چارچوب بافت است که با رجوع به اسناد اصلی آغاز می‌شود (Blommaert, 2005: 29). میر به دنبال ارائه مدلی از ارتباط میان نظریه و گفتمان است. مدل وی از چهار مرحله تفسیر، نظریه، عملیاتی کردن و در نهایت گفتمان/ متن تشکیل شده است. در هر کدام از این مراحل، محقق وظیفه‌ای دارد که از جمع‌آوری اطلاعات، ارزیابی فرضیه‌ها، مفهوم‌سازی مفاهیم نظری و در نهایت رویه‌ها و ابزارهای شکل‌گیری گفتمان/ متن، شکل گرفته است (Meyer, 2001: 14-19).



شکل ۱: تحقیق تجربی به‌عنوان فرایندی دوری (Meyer, 2001: 19) به نقل از: (ایمان، ۱۳۹۱: ۲۱۹)

هر گفتمان سیاسی حاوی اصول و قواعدی است که شکل خاصی از زندگی و کردارهای سیاسی را ممکن، خودفهمی‌های فردی را به شکل ویژه‌ای تعریف و برخی امکانات سیاسی را محقق و برخی دیگر را حذف می‌کند. ظهور، تکامل و بسط گفتمان‌ها در سایه «غیر» یا «خصم» صورت‌بندی می‌شود (تاجیک، ۱۳۸۶: ۱۴۹).

مقبولیت یک گفتمان و هژمونیک شدن آن علاوه بر راهکارهای بلاغی که آن گفتمان برای متقاعد کردن برمی‌گزیند، منوط به کسب یک «موقعیت نهادی»<sup>۱</sup> مطلوب است. جهان امروز در مناسبات اجتماعی به‌ویژه در حوزه امنیت، دنیایی بی‌سامان است. از طرفی سازه‌انگاری اجتماعی مبتنی بر این اصل بنیادی است که فهم انسان نسبت به جهان پیرامون، براساس مقوله‌بندی‌های گوناگون از جهان شکل می‌گیرد. انسان‌ها معانی ذهنی مختلفی به آن نسبت می‌دهند و جهان پیرامون

## 1. Constitutional Location

خود را می‌سازند (لوزیک، ۱۳۸۳). بر اساس مبانی ذکر شده، درک اینکه «رهایی ستم‌دیدگان از سلطه‌های اجتماعی و اعتراض به تولید و بازتولید نابرابر روابط قدرت، هدف اصلی انتقاد در اعمال گفتمانی است» چندان دشوار نیست (یورگنسن و فیلیس، ۱۳۸۹: ۱۱۵-۱۱۰).

### لایه‌های گفتمانی و جهت‌گیری در سیاست خارجی ایران

آرنولد ولترز اهداف سیاست خارجی یک کشور را این‌گونه تقسیم‌بندی می‌کند:

الف) اهدافی که بیانگر تقاضای جایگاه‌هایی است که یک کشور ندارد، لذا در پی تغییر وضع موجود است؛

ب) اهدافی که در پی حفاظت، حمایت و دفاع از توزیع موجود ارزشهاست و خواهان حفظ وضع موجود است؛

ج) اهداف مافوق ملی که یک کشور در صدد دستیابی به آن است، مانند همبستگی بین‌المللی و صلح (Wolfers, 1969: 177-178).

تحولات سیاست خارجی تابعی از تحولات گفتمانی در بستر اجتماعی-سیاسی خاص بوده‌است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۲). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران فاقد یک استراتژی ملی منسجم بود و در قالب گفتمان‌های مختلف مانند «مصلحت‌محور»، «ارزش‌محور»، «عمل‌گرا»، «فرهنگ‌محور» (ازغندی، ۱۳۸۱) و «عدالت‌محور» بروز و ظهور یافت. به نظر می‌رسد یکی از علت‌های تنوع گفتمانی و تغییر و تحولات سریع اقتصادی و اجتماعی این است که ایران یک جامعه در حال گذار است. این قبیل جوامع دارای ویژگی‌های خاصی می‌باشند: ۱) ابهام به‌ویژه در رابطه با جهت‌گیری‌های آینده، ۲) افزایش شمار و انواع نیروها و گروه‌هایی که هم قواعد سیاسی برای دیگران پیشنهاد می‌کنند و هم مخاطب دیگران در این زمینه واقع می‌شوند، ۳) ابهام در ماهیت قواعد لازم‌الاتباع از حیث فرمانبرداری سیاسی، ۴) دوقطبی شدن زندگی سیاسی و منازعات اصلی آن، ۵) افزایش جابه‌جایی در کنترل و تصرف و کاربرد منابع و ابزارهای قدرت، ۶) تولید بازی‌های زبانی و گفتمانی گوناگون، ۷) فراز و فرودهای گفتمانی و گسست و پیوست‌های هویتی، ۸) چندگانگی در حاکمیت و حکومت، ۹) تعریف و بازتعریف مستمر خودی‌ها و دگرهای درون و برون و ۱۰) تغییر مستمر ساختارها و نقش‌ها (تاجیک، ۱۳۸۲: ۱۲-۱۱).

مشخص است که جهت‌گیری سیاست خارجی ایران همواره روندی ثابت و پایدار را طی نکرده است. گاهی از نتایج آن برداشت دیالکتیکی شده و گاهی هم تکوین‌گرایی مشخصه آن بوده است، اما وجه غالب این سیاست، تعارض و ناپایداری می‌باشد (متقی، ۱۳۸۷: ۱۷۹-۱۴۹).



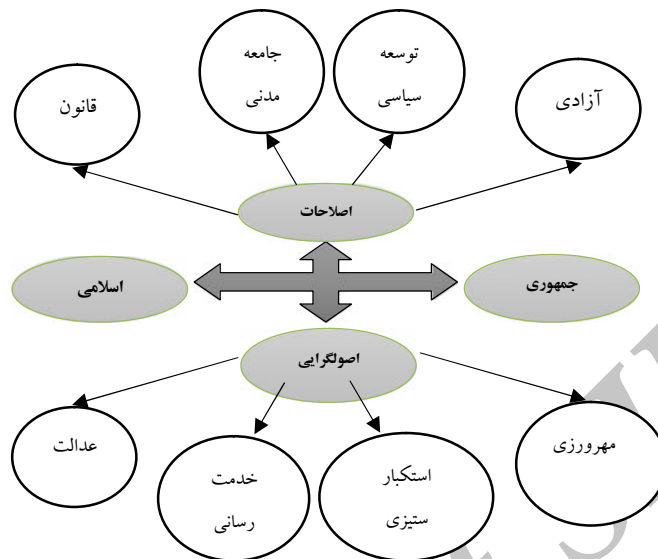
که دشواری‌هایی را هم در پی داشته است.

در یک قرن اخیر سویه‌های موازنه مثبت و منفی و خنثی، بی‌طرفی، انزوا و توسل به غیر در سیاست خارجی ایران قابل مشاهده است. ژئوپلیتیک خاص ایران، هزینه‌های سیاست عدم موازنه (اتکا به یک قطب قدرت در برابر سایر قطب‌ها) و موازنه منفی را بسیار زیاد می‌کند که نمونه عملی آن سیاست‌های پهلوی دوم است که منجر به فروپاشی آن شد. انزوایی هم سیاستی منسوخ در دنیای به هم پیوسته و شبکه‌ای امروز است. برآیند این تحلیل‌ها، سیاست موازنه مثبت یا متوازن را پیش‌روی ایران قرار می‌دهد که از رهیافت مصالحه با نظام بین‌الملل زمینه‌ساز دستیابی ایران به اهداف ترسیم شده در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ می‌شود. مدلی که روزنا بر پنج پایه محیط خارجی (منطقه و نظام بین‌الملل)، محیط داخلی (مشخصه‌های جامعه‌شناختی)، مختصات حکومتی، بسترهای نهادی - گفتمانی و نهایتاً نقش‌نخبگان (Rosenau, 1966) ارائه می‌دهد، می‌تواند الگویی برای تنظیم جهت‌گیری سیاست خارجی ایران باشد تا از طریق آن عوامل و موانع جهت‌گیری ناپایدار زدوده شود. تصمیم‌گیران سیاست خارجی دولت یازدهم تا حدودی در رعایت اصول پیش‌گفته موفق بوده‌اند که نتایج آن ملموس و قابل مشاهده است.

### جایگاه گفتمان در سیاست خارجی ایران

گفتمان‌های ایرانی برای ظهور سیاست خارجی در جهان نمادین و شکل‌گیری نظم گفتاری، نشیب و فراز زیادی داشته است تا زبان ایرانی به این نقطه از نظام معنایی برسد (ادیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

اهمیت گفتمان‌ها در سیاست خارجی کشورها در چند دهه اخیر به دلیل گسترش فناوری - اطلاعات و ضرورت پاسخ‌گویی و اقناع افکار عمومی، افزایش یافته است. بر این اساس، گفتمان یک دولت در سطح سیاست خارجی امروزه به سرعت می‌تواند بستر ساز نزدیکی، دوری، همسوئی یا اصطکاک میان بازیگران گردد. سرعت و ابعاد پیامدهای ناشی از گفتمان‌های سیاست خارجی در جهان امروز در دولت‌های ایران نیز به وضوح قابل مشاهده است. گفتمان هژمونیک در فرایند انقلاب اسلامی که ریشه در سنت اسلام دارد، به صورت بنیادین سیاست‌های اعلامی ایران را در تعریف «خود» و «دیگر» تغییر داد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۱۱). در دولت‌های گذشته در حالی گفتمان تنش‌زدایی، وجه تعامل و گفت‌وگو را مسلط ساخت که شاید اقدامات محدودی در این زمینه و در عمل صورت گرفته بود و در واقع عملکرد «تنش‌زدایی» دولت هاشمی، «گفت‌وگوی تمدن‌ها» ی خاتمی، «عدالت‌خواهی» احمدی‌نژاد و «اعتدال» روحانی تا رسیدن به گفتمان آن‌ها هنوز راه درازی در پیش دارد.



شکل ۲: مفصل‌بندی گفتمان‌های پیشین (اصلاحات و اصولگرایی) گفتمان اعتدال در سیاست ایران

### اعتدال در سیاست خارجی دولت یازدهم

دقت در برنامه‌های ارائه شده، سخنان و به‌طور کلی، رفتار و نظم گفتمانی سیاست خارجی دولت یازدهم جمهوری اسلامی، نشان از رویکردی میانه در همه بخش‌ها دارد. فرهنگ سیاسی در گفتمان اعتدال ماحصل تکوین گفتمان انقلاب اسلامی و یک جدال متنی-گفتمانی بین گفتمان‌های پیشین خود برای تثبیت شکل و محتوای خاصی از صورت‌بندی قدرت است.

ظریف با تأکید بر پرهیز از اعمال سیاست سلیقه‌ای در سیاست خارجی، معتقد است: «در مسأله سیاست خارجی ایران باید همواره موضوع رسالت جهانی انقلاب اسلامی مدنظر قرار گیرد ... در سیاست خارجی باید از تندروی خودداری کرد چرا که تندروی نشانه ضعف و ترس است» (ظریف، ۱۵ مرداد ۹۲).

در برنامه اولیه ظریف برای تصدی وزارت خارجه آمده است که «اعتدال به معنای ایجاد توازن میان آرمان و واقعیت در مسیر جهت‌دادن واقعیت‌ها به سمت آرمان‌ها است. گفتمان - اعتدال در سیاست خارجی به منزله حرکت واقع‌بینانه، خودباورانه، متوازن و هوشمندانه از تقابل به گفتگو، تعامل سازنده و تفاهم به منظور ارتقاء جایگاه، منزلت، امنیت و توسعه کشور می‌باشد» (ظریف، ۱۵ مرداد ۹۲).

این سند سعی در تطبیق آرمان‌ها با واقعیت‌های سیاسی جهان آشوب‌زده امروز دارد. نیل به

آرمان‌های سیاست خارجی در عصر حاضر برای حکومتی با مختصات جمهوری اسلامی ایران، سبب شده با حفظ چارچوب اصلی و اهداف موردنظر در قانون اساسی و سایر اسناد بالادستی، جرح و تعدیل‌هایی در خواسته‌ها صورت گیرد. نمونه بارز این مهم، مذاکرات فشرده و طولانی بر سر برنامه هسته‌ای با قدرت‌های بزرگ است و توافق اولیه ژنو و متن پایانی نشست لوزان، به خوبی بیانگر این مطلب می‌باشد. جمهوری اسلامی اعلام کرده از اصول خود دست نمی‌کشد و با پایبندی به این اصول سعی دارد طرف‌های مقابل را متقاعد کند که هدفی جز تعامل سازنده و مؤثر با جهان ندارد.

گفتمان این دولت سعی داشته تا پرونده هسته‌ای ایران را به وزارت خارجه منتقل کند که این امر خود عامل مهمی در امنیت‌زدایی از مسأله هسته‌ای ایران می‌باشد (Vaez, 24 Jun 2013).

### توسعه همه‌جانبه؛ پیش‌نیاز سیاست خارجی اعتدالی

اگرچه براساس بعضی از رویکردهای گفتمانی، عامل یا کارگزار انسانی خود در درون گفتمان تعریف می‌شود و در چارچوب آن رفتار می‌کند، اما تحول‌گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیانگر این واقعیت است که رؤسای جمهور نقش تعیین‌کننده‌ای در تدوین و تعریف گفتمان سیاست خارجی این کشور ایفا می‌کنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۳).

نگاهی که سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ به توسعه دارد، نگاهی درون‌زاد و برون‌نگر است. سیاست خارجی به‌عنوان حلقه واسط سیاست داخلی با نظام بین‌المللی، جز از مسیر تناسب اهداف و روش محقق نمی‌شود. جذب سرمایه‌گذاری خارجی، ثبات امنیت در محیط پیرامونی و بازنمایی تصویر مثبت از خود سبب شده، «توسعه» زیربنای سیاست خارجی باشد. جهانی‌شدن در همه عرصه‌ها از اقتصاد و سیاست گرفته تا فرهنگ، کاتالیزوری برای تسریع در این جهت‌گیری‌ها شده است (واعظی، ۱۳۸۷: ۷۸-۴۳). به‌عنوان مثال روندی که سبب شده همگرایی در شرق آسیا بیش از مسائل امنیتی اولویت داشته باشد، توسعه پایدار است. اگر این مهم در دستور کار ایران و کشورهای پیرامون آن قرار گیرد، زدودن سوءتفاهم از نیات همسایگان در خاورمیانه آسان خواهد بود.

وابستگی متقابل پیچیده بین دولت‌ها با یکدیگر و دولت‌ها با بازیگران غیردولتی در نظام جهانی (پوراحمدی، ۱۳۸۰) دشواری‌های تدوین سیاست خارجی را بیش از گذشته کرده است. از آنجایی که تفکیک سطوح داخلی و خارجی در سیاست، اقتصاد، فرهنگ و امنیت اگر نه غیرممکن که دشوار می‌نماید (Gaddis, winter 1992/93: 5-58) هدایت و تنظیم رفتار خارجی

کشورها را پیچیده می‌کند. پذیرش این اصول ضمن اینکه هوشیاری فراوانی را می‌طلبد، رشد و توسعه در دنیای به شدت جهانی شده را سبب می‌شود.

در این چارچوب نگارندگان پنج مؤلفه‌ی «تعامل مؤثر و سازنده با جهان»، «توجه ویژه به مناسبات منطقه‌ای»، «تأکید بر جهانی امن و عاری از خشونت و افراطی‌گری»، «رفع مشکلات داخلی اقتصاد بر اساس کارویژه‌های سیاست خارجی» و «شیوه مواجهه با غرب در پرتو حل و فصل برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای» را بیش از دیگر دال‌های گفتمان مورد نظر برجسته می‌دانند.

### واکاوی سیاست خارجی اعتدالی در گفتمان دولت یازدهم

نوع بیان و ساختار زبانی در گفتمان سیاست خارجی اعتدالی، بازنمایی جدیدی از چهره و خواسته‌های بین‌المللی ایران در ذهنیت طرف‌های مقابل شکل می‌دهد. این شیوه اجرایی سیاست ضمن اینکه تغییر بنیادینی در پیگیری اهداف و منافع ملی ایران ندارد، تسهیلاتی را برای ایفای نقش مثبت در منطقه و جهان و کنار زدن محدودیت‌هایی همچون تحریم‌ها و ایران‌هراسی را به دنبال خواهد داشت؛ لذا اهمیت کنش‌گفتاری<sup>۱</sup> در روابط بین‌المللی از این منظر ملموس و قابل مشاهده می‌باشد.

«استفاده از شبکه‌های اجتماعی»، «قدم‌زدن ظریف با وزیر خارجه امریکا»، «تنوع سفرهای دیپلماتیک متقابل بین ایران و دیگر کشورها به‌خصوص اروپایی‌ها» که مدت‌ها در سکون روابط سیاسی-اقتصادی با ایران بودند، «گسترده‌گی دیدارهای روحانی در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل»، «بیان مواضع رسمی ایران از طریق یادداشت در نشریات غربی» که در تاریخ سیاست خارجی ایران کم‌سابقه است، از نمونه‌های عینی چرخش گفتمانی سیاست خارجی ج.ا. ایران است.

روحانی در پنجمین جشن جهانی نوروز در افغانستان، نیاز جهان امروز را «اعتدال» می‌داند و آن را «نه فقط یک آئین تاریخی که یک راهبرد سیاسی و اجتماعی برای توسعه و هم‌زیستی» تلقی می‌کند (روحانی، ۷ فروردین ۱۳۹۳).

اصلی‌ترین هدف دیپلماسی دولت یازدهم «اعتدالی موقعیت جمهوری اسلامی ایران در دنیا» و «کاهش شرایط توهمی خطر ایران‌هراسی، شیعه‌هراسی و اسلام‌هراسی» اعلام شده است (ظریف، ۲۵ اسفند ۱۳۹۳). از نظر ظریف «اعتدال زاییده خودباوری و تندروی، نتیجه ترس است» (۱۳ خرداد ۱۳۹۳).

جهت‌گیری اصلی سیاست خارجی این دولت را می‌توان از سخنان روحانی در نشست

1. Speech Act

داووس ۲۰۱۳ استخراج کرد:

«واقعیت این است که در میان کشورهای در حال توسعه و همچنین در منطقه خاورمیانه، ایران از بالاترین نرخ، در شاخص‌های توسعه انسانی برخوردار است ... در این راستا، سیاست خارجی ایران را نیز در مسیر بهره‌برداری وسیع از امکانات بین‌المللی، برای توسعه اقتصادی ایران فعال خواهیم کرد و دولت من آمادگی کامل دارد تا با همه کشورهای همسایه، در طیفی از مسائل، از محیط‌زیست، ایمنی نیروگاه‌های هسته‌ای، پروژه‌های مشترک اقتصادی، توسعه تجارت، احقاق حقوق مردم فلسطین، جلوگیری از فاجعه انسانی در سوریه، امنیت خلیج فارس و مبارزه با تروریسم و افراطی‌گری، وارد تعامل شده و به قواعد مشترک عملی و رژیم‌های حقوقی پایدار دست یابد» (روحانی، ۳ بهمن ۹۲).

### تعامل سازنده با جهان

«زبان»، قدرت تازه تأسیسی است. این قدرت از طریق برجسته کردن دال «تعامل سازنده» و آوردن آن به مرکز جامعه (هم در داخل و هم در سطح سیاسی بیرونی) به انباشت قدرتی تازه می‌انجامد که تبلور آن، تحرکات دیپلماتیک از زمان روی کار آمدن دولت یازدهم در ایران است.

روحانی در سخنرانی خود در سی و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران تأکید دارد:

«پیامی که مردم در ۲۴ خرداد ۹۲ دادند این بود که خواستند به دنیا بگویند ما از دولتی حمایت می‌کنیم که در مسیر عقلانیت و تدبیر و با مشی اعتدالی، امیدها را زنده کند. راه پیشرفت و توسعه کشور را از طریق اتکا به مردم خود، امکانات داخلی، قابلیت‌های داخلی و با تعامل زنده در برابر جهان و تعامل سازنده راه را ادامه خواهند داد ... سیاست دولت در زمینه مسائل خارجی سیاست اعتدال است؛ یعنی نه تسلیم، نه سازش، نه انفعال، نه تقابل» (۲۲ بهمن ۹۲).

مبنای تعامل تفاهمی موردنظر در گفتمان اعتدال، درک و فهم پیام‌ها و کنش‌های معنایی دیگر است که امکان نزدیکی و برقراری ارتباط و مکالمه بیشتر بین دو طرف را فراهم می‌کند (ادیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۰۲). از طرفی تعامل ابزاری که در آن «نیل به موفقیت» جای «تفاهم» را می‌گیرد، بیشینه‌سازی سود و منفعت طرفین است و بیشتر متکی بر منافع اقتصادی و تجاری است (ادیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۰۳) که در مذاکرات ایران و ۵+۱ به وضوح قابل مشاهده است. روحانی در

یادداشتی در واشنگتن پست، بازتعریفی از مفهوم تعامل سازنده دارد:

«ما برای حل موضوعات پیش رو، باید به پیچیدگی‌های آن‌ها توجه داشته باشیم. به تعریف من از تعامل سازنده بازگردید. در جهانی که سیاست‌های جهانی دیگر معادله‌ای تک‌بعدی نیست، پیشبرد سیاست‌ها در جهت منافع یک طرف بدون در نظر گرفتن منافع دیگران، غیرقابل تصور است» (Rouhani, 20 Sep. 2013).

ظریف هم با طرح «ترک ذهنیت انزواسازی دوران جنگ سرد» (2 March 2015) بر پذیرش حق برابر انسان‌ها از جهان امروز تأکید دارد و این را هم «بخشی از گفتمان اصلی انقلاب اسلامی» می‌داند (2 March 2015) و اطمینان دارد «با ایستادگی بر این دیدگاه و مسیر تعامل سازنده که مسیر اعتدال است» (۲۷ آذر ۱۳۹۲) می‌توان به نتیجه رسید. تعامل این‌چنینی به معنی رفاقت یا کنار گذاشتن اهداف و اصول نیست، بلکه به معنای استفاده از فرصت‌ها برای بهبود شرایط کشور و به معنای کاهش هزینه‌ها تلقی می‌شود.

### سیاست‌های منطقه‌ای

«آشوب» عنصر ذاتی و جریان سیال در خاورمیانه است (بوزان، ۱۳۸۰). گفتمان‌های سیاست خارجی ج.ا. ایران نیز بازتابی از این تصویر آگاهانه یا ناخودآگاه بوده که منجر به بازنمایی تصویری «پیش‌ساخته» از جهان خارجی برای مردم و حاکمان آن شده است. گفتمان اعتدال سعی در بازتعریف مفاهیم و بازطراحی ساختارهای کهنه از منطقه دارد. اگرچه «غیرت‌سازی» در امتداد گفتمان‌های پیشین سیاست خارجی دنبال می‌شود اما با توجه به مطلق نبودن تعاملات انسانی در روابط بین‌الملل، امید زیادی به تغییرات بنیادین در ساختارهای اجتماعی-سیاسی خاورمیانه وجود داشت که تاکنون موفقیت مورد نظر حاصل نشده است.

از نظر وزیر امور خارجه ایران، بعد از تحولات چند سال گذشته در منطقه پیرامونی ایران، دو گرایش متضاد شکل گرفته است؛ یک گرایش سلفی‌گری افراطی و دیگری سکولاریسم افراطی است که با هرگونه حضور مذهب در جامعه مخالف است. در حالی که ناکامی تلاش هفتاد ساله شوروی سابق برای سرکوب مذهب نشان داد که نمی‌توان مذهب را در جوامع حذف کرد. یکی از اولویت‌های گفتمان اعتدال، رابطه با همسایگان است:

«سیاست خارجی ما هم جهانی است و هم منطقه‌ای و هم دوجانبه. ما برای روابط خارجی نسبت به کشورهای منطقه و به‌خصوص همسایگان مان اهمیت خاصی قائلیم و قدم‌های بسیار مؤثری را در این زمینه برداشته‌ایم. ما در فکر ایجاد ثبات و آرامش در منطقه هستیم» (روحانی، ۲۲

بهمن ۹۲).

روحانی در افتتاحیه نشست «سران کنفرانس تعامل و اعتمادسازی آسیا (سیکا)»، «تحکیم پیوندهای اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های مشترک میان اعضاء را از مؤثرترین راهکارها برای ارتقاء هم‌گرایی منطقه‌ای در اقتصاد جهانی» می‌داند (۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳ (الف)) و معتقد است دست‌یابی به «تثبیت صلح و امنیت پایدار جز از راه توسعه فرهنگ اعتدال، مدارا و گفت‌وگو» حاصل نمی‌شود (روحانی، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳ (الف)). در واقع جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد «نقش خودش را در منطقه به‌عنوان کشوری قدرتمند ایفا کند تا صلح و ثبات را به منطقه برگرداند» (روحانی، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳ (ب)).

«در این منطقه اگر بناست تروریسم از بین برود، مردم و ملت‌های این منطقه در کنار دولت‌های منطقه باید تصمیم بگیرند و برنامه‌ریزی کنند و دیگران اگر می‌خواهند مسأله تروریسم حل شود باید به فکر کمک باشند نه رهبری» (روحانی، ۲۸ شهریور ۱۳۹۳).

مشکل خاورمیانه «افراطی‌گری است که ریشه در اشغال، سرکوب و محرومیت از حقوق دارد و ما نیاز داریم تا با آن برخورد کنیم» (Zarif, 4 February 2015). ظریف مشکل دیگر را ناشی از اطلاعات نادرست برخی شخصیت‌های منطقه‌ای و یا کشورهایی خاص می‌داند و تصریح می‌کند «جمهوری اسلامی ایران در دو قرن اخیر به هیچ کشوری به چشم طمع نگاه نکرده و در هیچ کشوری مداخله نداشته است و اساساً اعتقاد ما بر این است که دوران این مسائل سپری شده است» (ظریف، ۳۰ بهمن ۱۳۹۲).

او در مصاحبه با مجله تایم در پاسخ به سؤال «آیا ایران جانب بشار اسد را می‌گیرد؟» نیز مشی اعتدالی را حفظ کرده و تأکید دارد: «ما جانب ثبات و راه‌حل برای سوریه را می‌گیریم. ما نمی‌خواهیم تصمیم بگیریم چه کسی در سوریه حکم‌رانی خواهد کرد. این مردم سوریه‌اند که باید در این امر تصمیم بگیرند» (Zarif, 9 Dec. 2013) و در خصوص افراط‌گرایی در منطقه تأکید دارد:

«ما می‌توانیم خطر خشونت و افراط‌گرایی را که در منطقه در حال گسترش است، خنثی کنیم. این تهدیدها، خطوط فرقه را نمی‌شناسند. این افراط‌گرایان سنی‌ها را نیز مانند شیعیان هدف قرار می‌دهند و بسیار مهم است که همه ما برای مهار موج افراط‌گرایی در کنار هم قرار بگیریم. این تهدیدی عمومی است و تهدیدی نیست که یک گروه یا گروه دیگری را در دنیای اسلام هدف قرار دهد» (Zarif, 3 Dec. 2013).

### جهان امن و عاری از خشونت و افراطی‌گری

دولت روحانی در یک فضای متنی روی کار آمد که «مبارزه با خشونت و افراطی‌گری» در منطقه خاورمیانه تبدیل به بیناسوژه‌گی و بینامتنی شده بود. خرده‌فرهنگ گفتمانی «تقابل با افراط‌گرایی» به بازتولید نگاه انتقادی ایران به وضع موجود و تلاش برای زدودن خشونت از چهره منطقه در یک سطح و در سطحی بالاتر غبارروبی از چهره «اسلام» منجر می‌شود. پیشنهاد «جهان عاری از خشونت» را روحانی در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح کرد:

«جهان عاری از سلاح هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی و به‌ویژه منطقه خاورمیانه عاری از سلاح‌های کشتار جمعی، به‌ویژه هسته‌ای جزء آرزوها و انتظارات و خواست این ملت است... هم‌چنین برای اینکه جهانی امن‌تر داشته باشیم، باید با خشونت، افراطی‌گری و به‌ویژه تروریسم مقابله کنیم» (۳ مهر ۱۳۹۲).

وی بر این سیاست در مجمع جهانی داووس ۲۰۱۳ تصریح داشته:

«این درست است که افراطی‌گری و خشونت، از لشکر بیکاران و گرسنگان، سرباز می‌گیرد، اما من بر این باورم که رویکرد ریشه‌ای در مبارزه با تروریسم، باید از توسعه همه‌جانبه آغاز شود... نگاهی به تاریخ هم به‌وضوح نشان می‌دهد که ایران در سده‌های اخیر، هرگز تهاجم و تجاوزی نداشته و صرفاً و منحصرأ در برابر تهدیدها و تهاجم‌های مستقیم و غیرمستقیم، دفاع فعال کرده است» (۳ بهمن ۹۲).

دو پیشنهاد ایران، یعنی «گفتگوی بین تمدن‌ها» (قطعنامه شماره ۶ مجمع عمومی پنجاه و ششم) و «جهان علیه خشونت و افراط‌گرایی» (قطعنامه شماره ۱۲۷ مجمع عمومی شصت و هشتم) می‌توانند چارچوب نهادی لازم برای این تلاش را فراهم کنند.

«افراط و خشونت در روابط بین‌الملل در خلأ اتفاق نمی‌افتد و نتیجه فعل و انفعالات گوناگون برگرفته از ریشه‌های مختلف است. ریشه‌ها به دو دسته قابل تقسیم‌اند: ریشه‌های ذهنی و ریشه‌های عینی. ابتدا جنگ‌ها در اذهان آغاز می‌شوند. دشمن‌تراشی‌ها و دشمن‌بینی‌ها برگرفته از برتری‌طلبی‌هایی است که ریشه‌هایی ذهنی مانند برتری نژادی، طبقاتی، قومی و نظایر آنها دارند. متقابلاً صلح و دوستی نیز از ذهن شروع می‌شود. ریشه افراط و خشونت را ابتدا باید در اذهان جستجو کرد. ایران نه تنها به‌صورت اصولی با افراط و خشونت مخالف است بلکه در تجربه تاریخی خود خطرات و پیامدهای آن را درک کرده است. ایران معتقد به مهارپذیری افراط و خشونت در منطقه و جهان از طریق تحول ادراکی و گفتمانی همراه با اقدامات منسجم منطقه‌ای و بین‌المللی است» (ظریف، ۱۹ آذر ۱۳۹۳).



### حل مشکلات داخلی اقتصاد بر اساس سیاست خارجی

اصل «سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی است» همواره برقرار می‌باشد. از طرفی تصور می‌شود که ارتباطی میان زبان و جامعه وجود ندارد و دو وجه مستقل‌اند که گاهی هم در تعامل هستند، در حالی که زبان بخشی از جامعه است (Fairclough, 1996: 23) که سیاست‌های داخلی کشورها را برمی‌سازد و برآیند آن در روابط خارجی هم قابل مشاهده است.

یکی از اولویت‌های دولت روحانی، حل معضلات داخلی اقتصادی در داخل از رهیافت تعامل با نظام بین‌الملل جاری است:

«... در زمینه اقتصادی، جمهوری اسلامی و این دولت آماده است تا با همه کشورها که علاقمندند در ایران که دارای منابعی بسیار غنی و جوانانی تحصیل کرده و آماده برای فعالیت اقتصادی هستند همکاری کند و برای حضور کمپانی‌ها، شرکت‌ها و دولت‌ها در ایران آماده هستیم ... این ظرفیت وجود دارد که ظرف سه دهه آینده جمهوری اسلامی ایران جزو ۱۰ کشور اقتصادی اول دنیا قرار بگیرد» (روحانی، ۲۱ بهمن ۹۲).

اگرچه مدار اقتصادی اولین مدار ارتباط ایران با غرب است اما بدون شک کار اقتصادی از مدار سیاسی در روابط بین‌المللی امکان‌پذیر است (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۱۵۱) و «زبان تجاری» به‌عنوان نقطه مشترک در تشریح گفتمانی دو طرف می‌باشد. تلاش برای ارتقاء جایگاه «دیپلماسی نفت» در چارچوب تعامل ابزاری گفتمان اعتدال به‌خوبی گویای احصاء دال‌های منطقی در منظومه گفتمانی آن است.

«من، بر مبنای اندیشه اعتدال و استوار بر دین‌باوری و تمسک به تعامل سازنده، به روابط دوستانه و پایدار با کشورها اندیشیده و در چارچوب نظام تجاری چندجانبه، همواره معتقد به تعاملی برابر و منصفانه، در حوزه اقتصادی بوده‌ام» (روحانی، ۳ بهمن ۹۲).

### مسئله آمریکا و تعامل با غرب در سایه برنامه هسته‌ای

در روابط بین‌دولت‌ها، کشورها احساس دشمنی را به کشوری دیگر فرافکنی می‌کنند و سپس از طریق رفتار خود، آن دیگری را وادی دارند با این احساسات یکسان‌انگاری داشته باشند (ونت، ۱۳۸۴: ۴۰۴). چالش با آمریکا و غرب از یک‌طرف و چانه‌زنی بر سر برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای از طرف دیگر از مهم‌ترین مسائل سیاست خارجی ایران است. در موضوع رابطه ایران و آمریکا، روحانی ضمن تأکید بر تعامل سازنده با جهان، سعی در اتخاذ رویکرد واقع‌گرایانه در سایه آرمان‌گرایی دارد (Ditto, Oct. 2013).

بازکردن صفحه جدیدی در روابط ایران و آمریکا و تغییر وضعیت بی‌اعتمادی موجود (Woodruff, 19 September 2014) در سایه همکاری و احترام متقابل و منافع مشترک و ارتقاء سطح روابط از آنچه هست به سمت دوستی بیشتر (روحانی، ۱۴ فروردین ۱۳۹۴) از خطوط اصلی گفتمان دولت روحانی است. ظریف در یادداشتی در واشنگتن پست، توهم دستیابی ایران به بمب اتم در غرب را مانع تفاهمی که «مطمئن‌ترین و امن‌ترین راه برای جلوگیری از اشاعه هسته‌ای است» می‌داند (۲۳ خرداد ۱۳۹۳).

روحانی هم با انتقاد از مواضع آمریکا و غرب و با تأکید بر «گذر حساس در تاریخ مناسبات جهانی و پایان یافتن عصر بازی‌های با حاصل جمع صفر» (۳ مهر ۹۲ ب)، روش‌های کهنه و ابزارهایی مانند نظامی‌گری را درخور شأن روابط بین‌المللی جدید نمی‌داند و ایران را هم تهدیدی برای صلح جهانی ندانسته و شرایط جدیدی را هم ترسیم می‌کند:

«ایران به دنبال تعامل سازنده بر اساس احترام متقابل و منافع مشترک با دیگر کشورهاست و در این چارچوب در پی افزایش تنش با ایالات متحده آمریکا نیز نیست. من سخنان امروز پرزیدنت اوباما را بادقت دنبال کردم؛ در صورت عزم سیاسی رهبران آمریکا و خودداری از دنبال کردن منافع گروه‌های فشار جنگ‌طلب، می‌توان به چارچوبی برای مدیریت اختلافات رسید. موضع برابر، احترام متقابل و اصول شناخته شده بین‌المللی باید مبنا باشد؛ البته در این زمینه انتظار ما از واشنگتن شنیدن صدای واحد است» (۳ مهر ۹۲ الف).

وی در یادداشتی در روزنامه واشنگتن پست تأکید دارد:

«به همتایان خودم توصیه می‌کنم از فرصتی که انتخابات اخیر ایران فراهم کرده، استفاده کنند. به آن‌ها توصیه می‌کنم از اختیاری که مردم برای تعامل محتاطانه به من داده‌اند، استفاده کنند و به تلاش‌های دولت من برای به جریان‌انداختن گفتمانی سازنده، صادقانه پاسخ دهند» (20 Sep. 2013). ظریف هم ضمن تأکید بر نقش فعال ایران در مذاکره با قدرت‌های بزرگ، انتظار حسن‌نیت از طرف غربی را بازنمایی می‌کند:

«ما باید منتظر مذاکرات بمانیم تا ببینیم آیا رفتاری که در این مذاکرات مشاهده خواهیم کرد و حسن اجرای مفاد توافقنامه به چه کیفیت خواهد بود تا بعد از حصول اطمینان، وارد سایر عرصه‌ها شویم» (9 Dec. 2013).

روحانی کنش رفتاری مثبت آمریکا را تغییر در «اراده سیاسی» می‌داند؛ یعنی اینکه «رهبران آمریکا باید رهبری کنند نه دنباله‌روی. مشکل در آمریکا این است که گروه دیگری دستور کار را تهیه می‌کنند». وی این اراده را در دولت و مردم ایران به تصویر می‌کشد:

«...گرچه مردم ما آنچه را بر آنها گذشته است، از ایالات متحده امریکا یا برخی از کشورهای اروپایی از یاد نخواهند برد، اما شیوه رفتاری امروز و آینده بیش از گذشته مدنظر ملت بزرگ ایران خواهد بود. در برابر احترام به ملت ایران، احترام خواهند دید. در برابر حسن نیت، حسن نیت خواهند دید» (۲۱ بهمن ۹۲).

جمهوری اسلامی ایران ضمن انتقاد از تحریم‌های تحمیلی بر خود، آن‌ها را از ابتدا غیرقانونی دانسته و اعمال آن‌ها نتیجه «اداره‌نشدن دنیا با مشروعیت» است (Zarif, 16 Dec. 2013) و «راه‌حل برون‌رفت از مشکلات فی‌مابین ایران و غرب تنها از طریق مذاکرات جدی و واقعی» میسر است (Zarif, 6 April 2006).

### برنامه هسته‌ای ایران در گفتمان اعتدال

مذاکرات هسته‌ای ایران با قدرت‌های جهانی، «پله اول برای تعامل سازنده با جهان است» (روحانی، ۱۴ فروردین ۱۳۹۴)؛ این تعامل سازنده «به‌نفع همه و به‌نفع شرق و غرب و منطقه» خواهد بود (روحانی، ۲۰ فروردین ۱۳۹۴). جمهوری اسلامی «با حسن نیت و اراده کامل سیاسی وارد این مذاکرات شده است و ضروری است که طرف‌های مقابل نیز حسن نیت و اراده سیاسی خود را برای رسیدن به توافق و اجرای آن به‌اثبات برسانند» (ظریف، ۱۸ اسفند ۱۳۹۳). دو هدف اصلی از وجه «انتقادی» در تحلیل گفتمان، کمک به تصحیح کم‌توجهی گسترده نسبت به اهمیت زبان در تولید و نیز حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت می‌باشد (محسنی، ۱۳۹۱: ۷۰). رویکرد انتقادی سعی در آشکارسازی روابط اجتماعی توأم با مناسبات نابرابر قدرت دارد. بر همین اساس، در پرونده هسته‌ای، ایران همواره نارضایتی خود از نابرابری روابط قدرت در رفتار قدرت‌های جهان را اعلان داشته است.

از طرفی، منطق مفاهمه در گفتمان اعتدال ایجاب می‌کند که توان‌مندی‌ها و تقاضاهای ایران در مذاکرات هسته‌ای توأم آ دیده شود. «پایان‌بخشی به یک بحران غیرضروری و گشودن افق‌های جدید» (ظریف، ۱۱ تیر ۱۳۹۳) ضمن مرتفع کردن مناقشه هسته‌ای، «زمینه ارتقاء همکاری‌ها جهت اعاده ثبات منطقه‌ای و افزایش صلح و امنیت بین‌المللی» را فراهم خواهد ساخت (ظریف، ۱۱ تیر ۱۳۹۳). ایران همواره درصدد بوده «به دنیا ثابت کند که برنامه هسته‌ای‌اش صرفاً صلح‌آمیز است» (ظریف، ۲۷ آذر ۱۳۹۲) و «باور ندارد که سلاح اتمی امنیت‌زا است بلکه مخل امنیت است» (Zarif, 3 Dec. 2013). اگرچه تحریم‌ها بر بخش‌هایی از اقتصاد ایران تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته اما بر تکمیل فرایندهای مرتبط با انرژی هسته‌ای خللی وارد نکرده است:

«ایران تصمیم نگرفت غنی‌سازی کند. ایران مجبور شد غنی‌سازی کند، زیرا ما سهمی در کنسرسیومی در فرانسه به نام «یورودیف» داشتیم که هزینه آن را کامل پرداخت کرده بودیم، ولی نتوانستیم حتی یک گرم اورانیوم غنی‌شده حتی برای رآکتور تحقیقاتی مان که تحت برنامه «اتم‌ها برای صلح» آیزنهاور [رئیس‌جمهور پیشین آمریکا] ساخته شده بود، دریافت کنیم. ما تصمیم نگرفتیم اورانیوم را تا ۲۰ درصد غنی‌سازی کنیم؛ ما را تحت ارباب قرار دادند، به ما توهین کردند و آن قدر این طرف و آن طرف کشاندند که گفتیم خودمان این کار را خواهیم کرد؛ چنین رفتاری را از جانب کسی تحمل نخواهیم کرد» (Ignatius, 15 Dec. 2013).

«تحریم‌ها باعث تولید ۱۹/۰۰۰ سانتریفیوژ شده است. هم‌چنین تحریم‌ها برای مردم ایران هم مشکلاتی به وجود آورده است. تحریم‌ها هرگز بر سیاست‌های ما تأثیر نمی‌گذارد ... اگر قرار بود تحریم‌ها کارساز باشند، ایران می‌بایست برنامه غنی‌سازی خود را متوقف می‌کرد اما ایران این کار را نکرده و تحریم‌ها دقیقاً نتیجه‌ای معکوس داشته است» (Zarif, 9 Nov. 2013).

### تجزیه و تحلیل گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت یازدهم

سیاست خارجی ایران همواره در پی تعامل سازنده با جهان بوده است؛ گفتمان این سیاست که برخاسته از گفتمان قدرت انقلابی است به منظور تثبیت امنیت خود به ابره «بیگانه‌ستیزی» به عنوان منبع تنش و تقابل با غرب روی آورد (ادیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۵۴) هرچند این تعامل سازنده الزاماً به معنای زبان مفاهمه و منطق نیست. ممکن است بسته به شرایط خاصی، این تعامل بر بستر منازعه و رویارویی بنا شود. قطعاً «صلح» بر «جنگ» ارجح است اما گاهی مخاطب سیاست‌های جمهوری اسلامی به سبب رفتار خارج از مناسبات صلح‌آمیز تنها اتخاذ رویکرد خصمانه را پیش‌روی گفتمان اعتدال قرار می‌دهد. بسیاری از دال‌های مذکور در منظومه گفتمانی سیاست خارجی ایران نیرویی ابزاری برای کنش سوژه‌هاست و صرفاً یک کردار و کنش گفتمانی نبوده است اما گفتمان اعتدال با تأکید بر دال «تعامل سازنده» سعی در بازسازی عناصر و دقایق این گفتمان سیاسی دارد.

لذا بروز «تغییر» و «چرخش گفتمانی» منجر به انفعال دال مرکزی آن نمی‌شود و به عبارتی به بن‌بست گفتمانی منتهی نمی‌شود، بلکه مصلحت‌گرایی موجب انطباق دال مرکزی با تغییرات در شرایط پیرامونی و درونی گفتمان است (آجیلی، ۱۳۸۹: ۱۶۸). روحانی در پیام نوروز ۱۳۹۴ خود می‌گوید: «امروز دیگر مسابقه برای تحریم ایران وجود ندارد؛ مسابقه برای تفاهم با ایران وجود دارد. قدرت‌های بزرگ این را حس کردند که تحریم و تهدید بی‌اثر است و راه مفاهمه،

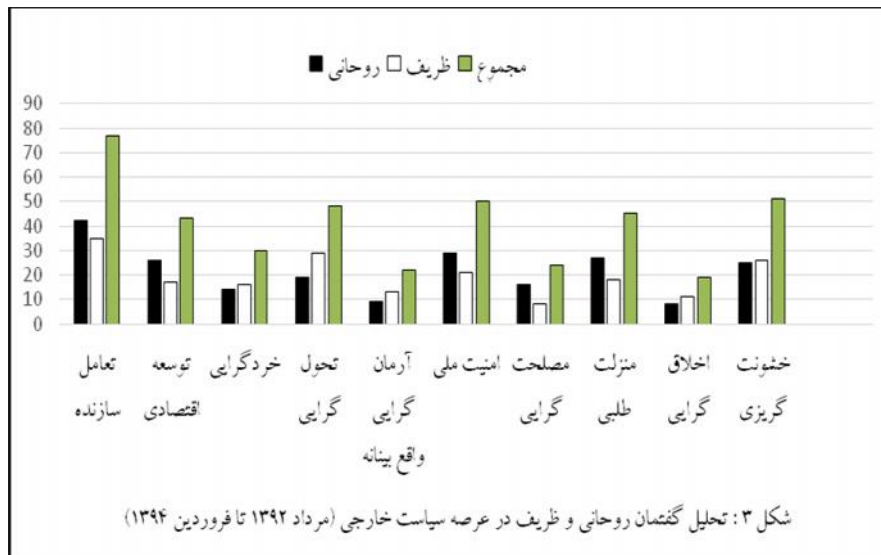
تفاهم و تکریم نسبت به ملت بزرگ ایران است» (روحانی، ۱ فروردین ۱۳۹۴).

بدیهی است سیاست خارجی مطلوب برای ایجاد تعادل پویا و تعامل هم‌افزای یادشده نیز ناگزیر باید در عین توجه به مسائل امنیتی، از اسارت نگرش امنیت‌محور محض که عمدتاً حاصل تداوم تفکر دوران جنگ سرد است، رهایی یابد و به‌سوی رویکرد توسعه‌محور (به‌عنوان هدف غایی سند چشم‌انداز) چرخش کند. در سطح کلان، هر کشور باید تصمیم بگیرد که در صدد است امنیت خود را در چارچوب کدام یک از دو الگوی بازدارندگی مثبت یا بازدارندگی منفی تأمین کرده و ارتقا بخشد. طبیعی است که رفتار کنش‌مند در هریک از این دو الگو، الزامات خاص خود را می‌طلبد که هر کشور پس از تعیین جهت‌گیری‌ها و اهداف کلان ملی خود ناگزیر از زمینه‌سازی و تمهید الزامات همان الگوست. این بدان معناست که هر کشور با مشخص کردن اولویت فضای کنش خود، ناچار از پیگیری رفتار قاعده‌مند در فضای مربوطه، مبتنی بر اصول و قواعد بازی همان فضا در راستای تأمین امنیت خود است (روحانی، ۱۳۸۹: ۱۷).

از آنجایی که تحلیل همه جمله‌ها در فرایند گفتمان‌کاوی امری راه‌گشا در نیل به هدف است اما عملی فرسایشی، طولانی و بعضاً بدون کاربرد است که در نتیجه‌گیری نهایی تأثیر چندانی ندارد. برای این منظور معناشناسی واژگانی در این تحقیق در بازه زمانی مرداد ۱۳۹۲ تا فروردین ۱۳۹۴ با تکیه بر بافت‌زبانی، موقعیتی، بینامتنی و کلان صورت‌می‌گیرد. هم‌گونی، تعدد استفاده از یک اصطلاح، نحوه به کارگیری آن در جمله، چارچوب‌های کلان فرهنگی- اجتماعی حاوی متن را می‌توان تعیین‌کننده دال‌های گفتمان به حساب آورد (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۲۸-۳۸). مرور گفتمان روحانی و ظریف نشان می‌دهد، ده مؤلفه بیشتر از سایر مؤلفه‌ها بازنمایی می‌شوند و بر مبنای شمارش هریک از این مؤلفه‌ها در فرایند مذکور یک نمودار فراوانی (شکل ۴) به دست می‌آید که تا حد زیادی نماینده کل گفتمان سیاست خارجی دولت یازدهم است.<sup>۱</sup>

آن‌چه از تحلیل گفتمان سخنان دو عضو اصلی دستگاه دیپلماسی دولت یازدهم برمی‌آید (براساس کنش، رویه‌ها، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های ایشان)، دال مرکزی گفتمان اعتدال، «تعامل سازنده» با کشورهای جهان است (شکل ۴) این گفتمان اگر در چارچوب آنچه در این نوشتار عنوان شد، محقق شود ضمن رهانندن ایران از فشارهای بین‌المللی با پذیرش نقش فعال و مثبت ایران در سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی، فصل تازه‌ای در مناسبات چندجانبه این کشور با همه کشورهای جهان می‌گشاید.

۱. با توجه به اینکه وب‌سایت ریاست جمهوری و وزارت امور خارجه روزانه سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، دیدگاه‌ها و مواضع این دو مقام مسئول را منتشر می‌کنند، به‌صورت تصادفی تعداد ۵۲ لینک (۲۶ لینک از سایت ریاست جمهوری و ۲۶ لینک از سایت وزارت خارجه) انتخاب و چارچوب واژگانی بر اساس شاخص‌های جدول ۴ شمارش شده است.



### نتیجه گیری

همانطور که ذکر شد گفتمان حاکم بر سیاست خارجی دولت یازدهم ج.ا.ایران، «از سوی سازندگان این گفتمان، به نام گفتمان اعتدال» نام گرفته است. حاکمیت این گفتمان را نباید به مثابه گسست گفتمانی در سیاست خارجی ایران تلقی کرد، زیرا این گفتمان در عین افتراق و تفاوت‌ها با سایر خرده گفتمان‌های پیشین در سیاست خارجی این کشور نقاط مشترک زیادی نیز با دولت‌های پیشین دارد.

سازندگان این گفتمان معتقدند که گفتمان اعتدال می‌تواند سرآغاز فصل جدیدی از دیپلماسی فعال و تعاملی برای برطرف شدن سوء تفاهم‌ها و ایجاد فرصت‌های جدید به‌شمار آید. خردگرایی در سیاست خارجی، به عنوان یکی از دقایق این گفتمان تلقی شده که بر مبنای اصل بنیادین «تحلیل هزینه - فایده» و بهره‌گیری از اصل «تفکیک امور از یکدیگر» استوار است. بر این اساس، قائلان این گفتمان معتقدند که از این طریق می‌توانند ضمن خروج از بن‌بست‌های سیاسی، چهره‌ای جدید از کشور ایران را در روابط بین‌المللی پدیدار کنند تا با کاستن از هزینه‌ها، بیشینه‌سازی منافع ملی صورت گیرد. درک صحیح از ساختارها و کارگزاران بین‌المللی و تناسب بین ساختار سیاست خارجی و کارگزاران دیپلماسی بر مبنای دو اصل «بازسازی ساختارها» و «بازتنظیم مناسبات و فرایندها» یکی از بایدهای گفتمان اعتدال عنوان شده است.

از منظر این گفتمان، «شعارزدگی» یکی از آسیب‌های سیاست خارجی اعتدالی و در عین حال

نقطه پایانی دیپلماسی و آغازی برای نادیده‌انگاری عقل در سیاست است. گفتمان اعتدال در سیاست خارجی مدعی ایجاد تعادل بین سنت و تغییر است؛ به عبارت دیگر، تغییرات ناگهانی و محاسبه نشده نمی‌تواند معرف اعتدال باشد. این گفتمان مدعی هسته اصلی بودن یک سنت مستقر و درعین حال، پذیرش تغییر و تحول و ایجاد تعادل مناسب بین این دو است. اگر این گفتمان نتواند دقایق خود را حفظ و مفصل‌بندی‌اش را مستحکم کند، موقتی، زودگذر و ناپایدار خواهد بود که با هجوم دال‌های گفتمان‌های رقیب در داخل، ضعیف خواهد شد. به نظر می‌رسد عنصر «کارآمدی» نقطه تعیین کننده این گفتمان باشد که هم می‌تواند باعث بازتولید این گفتمان شود و هم می‌تواند مهر ختامی بر هژمونی آن باشد.

بر اساس مشی و گفتمان دولت یازدهم در ایران اگر «اعتدال» در سطح «رفتاری» و «کنش» پیگیری شود همانند گفتمانی چون «اصلاح‌طلبی» و یا هر گفتمان دیگری در این سطح با گذشت زمان از ذهن خارج می‌شود. اما اگر این گفتمان در سطح «ساختاری» شکل بگیرد، آن‌گاه می‌توان به‌عنوان یک اصل زیربنایی نسبت به نهاده‌سازی آن در سیاست به‌طور عام و سیاست خارجی به‌طور خاص اطمینان داشت و حتی با روی کار آمدن دولت‌های جدید احتمال پیگیری گفتمان اعتدال بسیار بیشتر خواهد بود. لذا «ساختار» بایستی بر «کنش» اولویت یابد تا در این صورت ضمن مقبولیت سیاست‌های ایران در جامعه بین‌المللی، امکان تعامل بیشتر نیز بیش از پیش فراهم شود. بنابراین قائلان این گفتمان در صدد تثبیت دقایق گفتمانی خود در درون ساختار ذهنی و عملیاتی نظام هستند.

سیاست خارجی اعتدالی مدعی برقراری توازن میان «واقع‌گرایی» و «آرمان‌گرایی» است. آرمان‌هایی از جمله حضور قدرتمند در منطقه و جهان و حفظ منافع اسلامی، ملی و انقلابی ایران در کنار پذیرش نقش سایر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، اصلی‌ترین چارچوب تنظیم این سیاست‌هاست.

گفتمان مذکور بیش از آنکه سازه‌ای از پیش تعیین‌یافته باشد حاصل نظام معنایی و ذهنیت سازندگان و قائلان آن می‌باشد. در واقع گفتمان اعتدال مدعی برقراری نوعی میانه‌گرایی در طیفی است که یک سر آن آرمان‌گرایی و سر دیگر آن واقع‌گرایی است. تصور سازندگان گفتمان اعتدال آن است که می‌توان با حفظ اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی، از میزان تنش‌ها و فشارها و منازعه‌های بین‌المللی کم کرده و تبدیل به یک کشور مستقل و البته عادی و بدون تنش در روابط بین‌الملل شود تا از این طریق بتواند به تحقق اهداف بیشتر اقتصادی خود پردازد.

به عبارت دیگر، قائلان این گفتمان معتقدند که آرمان‌خواهی و پیگیری ارزش‌های انقلاب اسلامی در عرصه بین‌المللی با توجه به نقاط ضعف کشور و نیز نقاط قوت ابرقدرت‌ها، حالت شعارگونه پیدا کرده و بیشتر به هزینه‌زایی برای کشور منتهی می‌شود؛ بنابراین اعتدال آن است که با حفظ استقلال کشور، واقعیت قدرت در عرصه بین‌المللی و قواعد بازی را پذیرفته و سعی کنیم با رعایت همان قواعد، منافع خود را پیگیری نماییم. البته لازم به ذکر است که نگارندگان در این نوشتار صرفاً به تبیین این گفتمان پرداخته‌اند و از قضاوت و تحلیل درستی یا نادرستی مدعای این گفتمان پرهیز کرده‌اند.

Archive of SID



## منابع

## الف) فارسی

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: انتشارات اسوه.
- امام علی<sup>(ع)</sup>. (۱۳۸۸). *نهج البلاغه*، گردآوری سید رضی، ترجمه: محمد دشتی، چاپ دهم، تهران: انتشارات پیام عدالت.
- ادیب‌زاده، مجید. (۱۳۸۷). *زبان، گفتمان و سیاست خارجی*، چاپ اول، تهران: نشر اختران.
- ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۱). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول، تهران: نشر قومس.
- ایمان، محمدتقی. (۱۳۹۱). *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آجیلی، هادی. (۱۳۸۹). *صورت‌بندی گفتمان اسلامی در روابط بین‌الملل*، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup>.
- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بوزان، باری. (۱۳۸۰). «*خاورمیانه: ساختاری همواره کشمکش‌زا*»، ترجمه احمد صادقی، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال شانزدهم، شماره ۳.
- پوراحمدی، حسن. (۱۳۸۰). «*اقتصاد سیاسی بین‌الملل و پیامدهای سیاسی-اقتصادی واقعه ۱۱ سپتامبر*»، *فصلنامه مطالعات دفاعی-امنیتی*، سال هفتم، شماره ۲۸.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۲). *سیاست خارجی: عرصه فقدان تصمیم و تدبیر*، چاپ اول، تهران: نشر گفتمان.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۶). «*هگل و رابطه ایران و آمریکا*»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، زمستان، شماره ۱۲.
- حقیقت، صادق و حسینی‌زاده، محمدعلی. (۱۳۸۷). «*گفتمان*»، عباس منوچهری، *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، تهران: انتشارات سمت.
- حقیقت، صادق. (۱۳۸۵). *روش‌شناسی علوم سیاسی*، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- خلیلی، محسن و حمیدی، سمیه. (۱۳۹۰). «*تحلیل گفتمان مفهوم صدور انقلاب از منظر خبرگان قانون اساسی*»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، پاییز، شماره ۲۷.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۴). *تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول، تهران: مؤسسه ایران.

- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۹۲). «گفتمان اعتدال در سیاست خارجی ایران»، همشهری دیپلماتیک، مرداد، شماره ۷۴.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۹۳). «گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۸، شماره ۱.
- روحانی، حسن. (۱۳۸۹). «سیاست خارجی و آینده نفت و گاز ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره ۷.
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۷۹). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سالارکسرای، محمد. (۱۳۸۸). «نظریه گفتمان لاکلاو و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، فصلنامه سیاست، سال سی و نهم، شماره ۳.
- سلطانی، علی‌اصغر. (۱۳۸۳). «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، فصلنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره ۲۸.
- سوسور، فردینان دو، (۱۳۷۸)، دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه: کورش صفوی، تهران: نشر هرمس.
- عالم، عبدالرحمن. (۱۳۸۷). تاریخ فلسفه سیاسی غرب (از آغاز تا پایان سده‌های میانه)، چاپ دوازدهم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- فارابی، ابونصر. (۱۳۶۱). اندیشه‌های اهل مدینه، ترجمه سید جعفر سجادی، چاپ اول، تهران: کتابخانه طهوری.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۸۹). تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه: گروه مترجمین، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- قادری، حاتم. (۱۳۹۰). اندیشه سیاسی در اسلام و ایران، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- لوزیک، دانیلین. (۱۳۸۳). نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی، ترجمه سعید معیدفر، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- محسنی، محمدجواد. (۱۳۹۱). «جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف»، معرفت فرهنگی-اجتماعی، سال سوم، شماره ۳.
- متقی، ابراهیم. (۱۳۸۷). «گذار از برگشت‌پذیری مرحله‌ای در سیاست خارجی ایران»، محمود واعظی، مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا، چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

- منوچهری، عباس و دیگران. (۱۳۸۷). *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، تهران: انتشارات سمت.
- میرفخرایی، تزا. (۱۳۸۳). *فرآیند تحلیل گفتمان*، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- واعظی، محمود. (۱۳۸۷). «راهبرد تعامل سازنده و الزامات سیاست خارجی توسعه‌گرا»، محمود واعظی (ویراستار)، *مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا*، چاپ اول، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- واینر، فیلیپ بی. (۱۳۸۵). *فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها*، ترجمه گروه مترجمین، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات سعاد.
- ونت، الکساندر. (۱۳۸۶). *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ون‌دایک، تون. (۱۳۸۷). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان*، ترجمه شعبان‌علی بهرام‌پور، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- هوارث، دیوید. (۱۳۷۸). «نظریه گفتمان»، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هوارث، دیوید. (۱۳۷۷). «نظریه گفتمان»، ترجمه علی اصغر سلطانی، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال اول، شماره ۲.
- یارمحمدی، لطف‌ا... (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، چاپ اول، تهران: هرمس.
- یورگنسن، ماریان و فیلیس، لوئیز. (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، چاپ اول، تهران: نشر نی.

#### وبسایت

- روحانی، حسن، (۱۴ فروردین ۱۳۹۴)، «گفت‌وگوی تلویزیونی با مردم ایران»، قابل دسترس در: <http://president.ir/fa/85809> (آخرین بازدید: ۱۴ فروردین ۱۳۹۴).
- روحانی، حسن، (۱ فروردین ۱۳۹۴)، «پیام نوروزی تلویزیونی»، قابل دسترس در: <http://www.president.ir/fa/85503> (آخرین بازدید: ۱۴ فروردین ۱۳۹۴).
- روحانی، حسن، (۲۰ فروردین ۱۳۹۴)، «سخنرانی در مراسم روز ملی فناوری هسته‌ای»-

ایران»، قابل دسترس در:

<http://president.ir/fa/85971> (آخرین بازدید: ۲۱ فروردین ۱۳۹۴).

- روحانی، حسن، (۲۱ بهمن ۱۳۹۲)، «سخنرانی در جمع سفرا و رؤسای دفاتر نمایندگی کشورهای خارجی در ایران»، قابل دسترس در: [www.president.ir/fa](http://www.president.ir/fa) (آخرین بازدید: ۲۴ بهمن ۱۳۹۳).

- روحانی، حسن، (۲۲ بهمن ۱۳۹۲)، «سخنرانی در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی - ایران»، قابل دسترس در: [www.president.ir/fa](http://www.president.ir/fa) (آخرین بازدید: ۲۴ بهمن ۱۳۹۳).

- روحانی، حسن، (۲۸ شهریور ۱۳۹۳)، «گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی NBC امریکا» قابل دسترس در: <http://president.ir/fa/81005> (آخرین بازدید: ۲۴ بهمن ۱۳۹۳).

- روحانی، حسن، (۳ بهمن ۱۳۹۲)، «سخنرانی در اجلاس داووس ۲۰۱۳»، قابل دسترس در: [www.president.ir/fa](http://www.president.ir/fa) (آخرین بازدید: ۲۴ بهمن ۱۳۹۳).

- روحانی، حسن، (۳ مهر ۱۳۹۲ الف)، «سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل»، قابل دسترس در: [www.president.ir/fa](http://www.president.ir/fa) (آخرین بازدید: ۲۴ بهمن ۱۳۹۳).

- روحانی، حسن، (۳ مهر ۱۳۹۲ ب)، «مصاحبه با شبکه CNN»، قابل دسترس در: [www.president.ir/fa](http://www.president.ir/fa) (آخرین بازدید: ۲۴ بهمن ۱۳۹۳).

- روحانی، حسن، (۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳ الف)، «سخنرانی افتتاحیه نشست سران کنفرانس تعامل و اعتمادسازی آسیا (سیکا)»، قابل دسترس در: <http://www.president.ir/fa/77665> (آخرین بازدید: ۱۴ فروردین ۱۳۹۴).

- روحانی، حسن، (۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳ ب)، «مصاحبه با شبکه تلویزیونی CCTV چین»، قابل دسترس در:

<http://www.president.ir/fa/80853> (آخرین بازدید: ۲۴ بهمن ۱۳۹۳).

- روحانی، حسن، (۷ فروردین ۱۳۹۳)، «سخنرانی در پنجمین جشن جهانی نوروز در افغانستان»، قابل دسترس در:

<http://www.president.ir/fa/76260> (آخرین بازدید: ۱۴ فروردین ۱۳۹۴).

- ظریف، محمدجواد، (۱۱ تیر ۱۳۹۳)، «مقاله در روزنامه لوموند فرانسه»، قابل دسترس-

در:

<http://mfa.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=2007&newsview=297044>

(آخرین بازدید: ۲۴ بهمن ۱۳۹۳).

- ظریف، محمدجواد، (۱۳ خرداد ۱۳۹۳)، «سخنرانی در کنفرانس بین‌المللی امام خمینی؛

منادی اعتدال و وحدت»، قابل دسترس در:

<http://mfa.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=2011&newsview=293641> (آخرین

بازدید: ۲۴ بهمن ۱۳۹۳).

- ظریف، محمدجواد، (۱۵ مرداد ۹۲)، «برنامه‌های ظریف برای تصدی وزارت خارجه»، قابل دسترس در:

<http://irdiplomacy.ir/fa/page/1919569/> (آخرین بازدید: ۱۴ فروردین ۱۳۹۴).

- ظریف، محمدجواد، (۱۸ اسفند ۱۳۹۳)، «پاسخ به نامه سناتورهای امریکایی»، قابل دسترس در:

<http://mfa.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=2007&newsview=330946>

(آخرین بازدید: ۲۴ بهمن ۱۳۹۳).

- ظریف، محمدجواد، (۱۹ آذر ۱۳۹۳)، «سخنرانی در اختتامیه کنفرانس بین‌المللی جهان علیه خشونت و افراطی‌گری»، قابل دسترس در:

<http://mfa.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=2011&newsview=318262> (آخرین

بازدید: ۲۴ بهمن ۱۳۹۳).

- ظریف، محمدجواد، (۲۳ خرداد ۱۳۹۳)، «مقاله در روزنامه واشنگتن‌پست»، قابل دسترس در:

<http://london.mfa.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=2007&newsview=294614>

(آخرین بازدید: ۱۴ فروردین ۱۳۹۴).

- ظریف، محمدجواد، (۲۵ اسفند ۱۳۹۳)، «مصاحبه با سالنامه نوروژی روزنامه اعتماد»، قابل دسترس در:

<http://mfa.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=2013&newsview=331736>

(آخرین بازدید: ۱۴ فروردین ۱۳۹۴).

- ظریف، محمدجواد، (۲۷ آذر ۱۳۹۲)، گزارش ۱۰۰ روز اول سیاست خارجی در دولت یازدهم؛ گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دوم، قابل دسترس در: [www.mfa.gov.ir](http://www.mfa.gov.ir) (آخرین بازدید: ۳ دی ۱۳۹۲).

- ظریف، محمدجواد، (۳۰ بهمن ۱۳۹۲)، «سخنرانی در اتاق فکر انجمن دوستی ایران و اتریش»، قابل دسترس در:

<http://mfa.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=2011&newsview=280201>

(آخرین بازدید: ۱۴ فروردین ۱۳۹۴).

#### ب) انگلیسی

- Fairclough, Norman, (1996), *Critical Discourse Analysis*, London and New York:

Longman Group Limited.

- Frank, Manfred, (1992), "On Foucault Concept of Discourse", in: Timothy J. Armstrong, *Michel Foucault, Philosopher*, New York: Harvester Wheatsheaf.

- Gaddis, John Lewis. (1992-93). "International Relations Theory and the End of the Cold War", *International Security*, winter, 17 (3).

- Kress, G. (1989), *Linguistic Processes in Sociocultural Practice*, Oxford: Oxford University Press.

- Laclau, Ernesto and Mofe, Chantal, (2001), *Hegemony and Socialist Strategy. Toward a Radical Democratic Politics*, New York: Verso Books.

- Laclau, Ernesto, (1994), *the Making of Political Identities*, New York: Verso Books.

- Meyer, Michael, (2001), "Between Theory, Method and Politics: Positioning of the Approaches to CDA" in: Ruth Wodak & Michael Meyer (Ed.), *Methods of Critical Discourse Analysis*, Sage Publication.

- Milliken, Jennifer, (1999), "The Study of Discourse in International Relations: A Critique of Research and Methods", *European Journal of International Relations*, 5(2).

- Moshirzadeh, Homeira, (2007), "Discursive Foundation of Iran's Nuclear Policy", *Security Dialogue*, 38(4).

- Rapp, Christof, (2006), "What Use is Aristotle's Doctrine of the Mean", in: Burkhard, Reis (Ed.), *The Virtuous in Greek Ethnics*, Cambridge: Cambridge University Press.

- Rosenau, James N. (1966), "Pre-theories and Theories of Foreign Policy", in R. Barry Farrell (Ed.), *Approaches to Comparative and International Politics*, Evanston IL: Northwestern University Press.

- Urmson, J. O. (1980), *Essays on Aristotle's Doctrine* (Ed.), California: University of California Press.

- Wolfers, Arnold, (1969), "The Pole of Power and the Pole of Indifference", in: James Rosenau (Ed.), *International Politics and Foreign Policy*, New York: The Free Press.

- Blommaert, Jan, (2005), *Discourse a Critical Introduction*, Cambridge: Cambridge University Press.

- Zarif, M. Javad, (2006), "We Do Not Have a Nuclear Weapons Program", *New York Times*, 6 April.

- Ditto, Steven, (2013), "Reading Rouhani: The Promise and Peril of Iran's New President", *Policy Focus*, No.129, Washington: The Washington Institute for Near East Policy, October.

- Ignatius, David, (2013), "Q&A with Mohammad Javad Zarif, Iran's Foreign Minister" *Washington Post*. 15 December.

#### Website

- Vaez, Ali, (2013), "Time Ripe for Iran Reset", available at: <http://www.crisisgroup.org/en/regions/middle-east-north-africa/iraq-iran-gulf/iran/ali-vaez-time-ripe-for-iran-reset.aspx>, 24 Jun. (Retrieved at: 14 May 2015).

- Rouhani, Hassan, (2013), “Why Iran Seeks Constructive Engagement”, available at: [http://www.washingtonpost.com/opinions/president-of-iran-hassan-rouhani-time-to-engage/2013/09/19/4d2da564-213e-11e3-966c-9c4293c47ebe\\_story.html](http://www.washingtonpost.com/opinions/president-of-iran-hassan-rouhani-time-to-engage/2013/09/19/4d2da564-213e-11e3-966c-9c4293c47ebe_story.html), 20 September, (Retrieved at: 27 July 2015).
- Zarif, M. Javad, (2013), “Iran Nuclear Talks May Need New Round–Diplomats”, available at: <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-24885106>, 9 November. (Retrieved at: 14 May 2015).
- Zarif. M. Javad, (2013), “Sanctions Have Utterly Failed”, available at: <http://www.aljazeera.com/programmes/talktojazeera/2013/12/javad-zarif-sanctions-utterly-failed-20131238244221189.html>, 3 December. (Retrieved at: 12 May 2015).
- Zarif. M. Javad, (2013), “Exclusive: Iran’s Foreign Minister Says Sanctions Would Kill Nuclear Deal; By: Robin Wright”, available at: <http://world.time.com/2013/12/09/exclusive-irans-foreign-minister-says-sanctions-would-kill-nuclear-deal/>, 9 December. (Retrieved at: 14 May 2015).
- Zarif. M. Javad, (2013), “US Sanctions are Major Setback”, available at: <http://www.euronews.com/2013/12/16/us-sanctions-are-major-setback-iran-s-zarif-speaks-out-in-euronews-interview/>, 16 December. (Retrieved at: 20 March 2014).
- Woodruff, Judy, (2014), “Iranian Foreign minister on U.S. Strategy on Islamic State, Sanctions” (Interview), Available at: <http://www.pbs.org/newshour/bb/iranian-foreign-minister-on-u-s-strategy-on-islamic-state-sanctions/>, 19 September. (Retrieved at: 22 September 2014).
- Zarif, M. Javad., (2015), “What are the Global and Regional Priorities that will Impact Industries and Economies in 2015?” Available at: <https://allcharitiescount.com/videochannel/20639/davos-2015-the-geopolitical-outlook/>, 4 February. (Retrieved at: 10 February 2015).
- Zarif, M. Javad, (2015), “What are the Global and Regional Priorities that will Impact Industries and Economies in 2015?” Available at: <https://allcharitiescount.com/videochannel/20639/davos-2015-the-geopolitical-outlook/> (Retrieved at: 14 April 2015).
- Zarif, M. Javad, (2015), “Human Rights Council opens High-Level Segment”, Available at: <http://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=15632&LangID=E>, 2 March. (Retrieved at: 14 April 2015).